

شوراهای روستایی در بوته‌ی خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز^۱ نمونه؛ شهرستان سبزوار

علیرضا حمیدیان
عضو هیأت علمی جغرافیا دانشگاه تربیت معلم سبزوار
دکتر جعفر جوان
دانشیار جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر مجید یاسوری
استادیار جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در این پژوهش کوشش شده است عوامل ناکارآمدی شوراهای روستایی که ریشه در درون روستا دارد در قالب تئوری خرده فرهنگ دهقانی راجرز و در ۳۲ روستای نمونه شهرستان سبزوار مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. نتایج به دست آمده از این تحقیق حاکی از آن است که اولاً اعضای شوراهای روستایی که تحصیلات ابتدایی و پایین‌تر داشته و پیشه کشاورزی دارند غالباً رفتارشان به چهارچوب تئوری خرده فرهنگ دهقانی نزدیکتر است. ثانیاً شوراهای روستایی روستاهای بزرگتر و پرجمعیت‌تر تا حدی از ویژگی‌های این نظریه فاصله می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت روستایی، خرده فرهنگ دهقانی، توسعه روستایی.

مقدمه

کارآمدی مدیریت روستایی و نقش آن در شتاب بخشی به فرآیند «نوسازی» روستا یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی می‌باشد. بدیهی است بخشی از کارآیی مدیریت روستایی و به ویژه شوراهای روستایی در گرو نحوه‌ی سیاست‌گذاری‌های ملی، وضع قوانین و مقررات، رفتار سازمان‌های متولی امور روستاها و چگونگی تخصیص اعتبارات است در حالی که بخش مهم‌تر



عملکرد آن ناشی از شرایط درونی و از جمله زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی روستاییان است. که این امر در کادر مدیریت فعلی روستاها بویژه شوراهای روستایی نمود عینی می‌یابد. بررسی خرده فرهنگ دهقانی حاکم بر روستاها و تأثیر آن بر عملکرد شوراهای روستایی می‌تواند در راستای شناسایی عوامل ناکارایی مدیریت روستایی جهت بهبود بستر کار توسعه روستاها مفید و ثمربخش باشد.

ادبیات تحقیق

اگر مدیریت روستایی خود ایزاری برای «توسعه» روستاها باشد که چنین هست ابتدا باید مفهوم توسعه را مورد توجه قرار داد. مایکل تودارو^۱ توسعه را جریانی چندبعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۷۰: ۱۳۶-۱۳۵). شوماخر^۲ در این زمینه می‌گوید: توسعه با کالاهای مادی آغاز نمی‌شود یا آدمیان و تربیت آنها با سازمان و با انضباط آغاز می‌شود (شوماخر، ۱۳۶۵: ۱۳۲-۱۳۱).

توسعه به دلیل آنکه دستاورد انسان محسوب می‌گردد در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است و بر تحول ارگانیک دلالت دارد. هدف از توسعه ایجاد زندگی پرثمره‌ای است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود (میسرا^۳، ۱۳۶۶: ۶).

فرانسوا پرو روی تغییرات روحی و اجتماعی ملت‌ها زیاد تکیه می‌کند از این رو وی معتقد است که ملتی در مرحله‌ی توسعه نیافتگی قرار دارد که ترکیب عوامل روحی و اجتماعی آن اجازه بهره‌برداری از منابع اقتصادی را ندهد (مهرز، ۱۳۵۳: ۷۹). ویدال دولابلاش جغرافیدان و مورخ امکان‌گرا نیز در زمینه‌ی تغییر طرز تلقی و نگرش مردم به عنوان یکی از عوامل مؤثر در توسعه اظهار می‌دارد که: «تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌تواند به بهره‌برداری بیشتر از امکانات بینجامد و یا امکانات کافی در اختیار جوامع انسانی قرار دهد» (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۱). یکی از مکاتب مهم در زمینه توسعه به ویژه «توسعه روستایی» مکتب نوسازی^۴ است که قالب فکری بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه را تشکیل داده است.

آیزنشتات (۱۹۷۰) معتقد است که: «فرآیند نوسازی از درون گروه‌های قبیله‌ای، جوامع کاستی، جوامع روستایی متفاوت و جوامعی با میزان‌های مختلف شهرنشینی آغاز می‌شود. این‌گونه گروه‌ها ممکن است از نظر گستردگی، منابع، و توانایی‌های لازم برای نوسازی متفاوت باشند. آنها ممکن است از نظر ظرفیت تنظیم‌کنندگی روابط پیچیده‌تر میان اجزای مختلف

1- Michael. P. Todaro

2 -E. F. Schumacher

3 -R. P. Misra

4-Modernisation



اجتماعی و یا میزان تمایل یا توانایی برای یکپارچه شدن در جامعه‌ای نو و در چارچوب اجتماعی گسترده یکسان نباشند» (کرمی، ۱۳۷۳: ۴۷).

مکتب نوسازی در زمینه توسعه روستاها نظریه‌های متعددی را با گرایش‌های متفاوت در بر می‌گیرد. یکی از نظریه‌های مهم و محوری در مکتب نوسازی، نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز می‌باشد. نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی بر ضعف و نقصان خرده‌فرهنگ‌ها تأکید دارد در تعریف خرده‌فرهنگ باید گفت که: تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص داخلی هر فرهنگ را خرده‌فرهنگ می‌نامند» (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۹۳).

بر اساس نظریه‌ی راجرز، برنامه‌های دگرگونی اجتماعی در روستا اگر بر پایه‌ی شناخت ارزش‌ها وجه نظرها و انگیزه دهقانان استوار نباشد شکست می‌خورد. لذا مجریان برنامه‌های توسعه روستایی باید ویژگی‌های فرهنگی و جمعیتی مخاطبان و گیرندگان برنامه‌های خود را به دقت مد نظر داشته باشند» (بحرینیان، ۱۳۷۸: ۱۰۴).

وی برای خرده فرهنگ دهقانی ویژگی‌هایی از این قبیل قایل است.

۱- عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی

۲- فقدان نوآوری

۳- تقدیرگرایی

۴- پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات

۵- چشم‌پوشی نکردن از منافع آنی به خاطر منافع آتی

۶- کم اهمیتی به عامل زمان

۷- خانواده‌گرایی

۸- وابستگی به قدرت دولت

۹- محلی‌گرایی

۱۰- فقدان همدلی

(ازکیا، ۱۳۸۴: ۱۲۱-۱۲۰)

نگارنده سعی دارد عملکرد شوراهای روستایی را به عنوان مهم‌ترین نهاد مدیریتی درون روستا در چهارچوب این نظریه آزمون نماید.

روش تحقیق

این پژوهش که در سال ۱۳۸۵ صورت گرفته است همانند سایر پژوهش‌های میدانی دارای دو بخش می‌باشد. بخش اول شامل ادبیات موضوع و پیشینه‌ی تحقیق بوده و بخش دوم دربرگیرنده تدوین و تکمیل پرسشنامه، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و سپس نتیجه‌گیری



نهایی است. در این مطالعه: از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای مطابق استفاده شده است به گونه‌ای که از ۳۲۰ روستای دارای شورای روستایی شهرستان سبزوار ۳۲ روستا برگزیده شده است و برای انتخاب روستاهای نمونه نیز معیارهایی نظیر مسایل جمعیتی، مرکزیت دهستان، وضعیت توپوگرافیک مد نظر قرار گرفته است.

فرضیه تحقیق

خرده فرهنگ دهقانی حاکم بر روستاها (نظریه‌ی راجرز) عامل مؤثری در ناکارآمدی مدیریت روستایی فعلی است.

هدف تحقیق

هدف از این پژوهش شناسایی علل و عوامل ناکارآمدی مدیریت روستایی در درون روستا به ویژه آنچه که مربوط به حوزه خرده فرهنگ عمومی روستاییان است می‌باشد. شناخت این عوامل و آسیب‌شناسی آن می‌تواند مدیران سازمان‌های مربوط به روستا را جهت غلبه بر این ناکارآمدی‌ها و در نتیجه شتاب بخشیدن به توسعه روستاها یاری نماید.

معرفی مختصر منطقه مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه شهرستان سبزوار می‌باشد. این شهرستان که در غرب استان خراسان رضوی واقع شده است برابر نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ مجموعاً ۴۱۹/۵۴۲ نفر جمعیت داشته^۱ که از این تعداد در سال مذکور ۴۴/۳ درصد در هفت شهر منطقه سکونت داشته و ۵۵/۵ درصد دیگر در نقاط روستایی سکنی گزیده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶: ۱۱).

از ۴۹۷ آبادی دارای جمعیت شهرستان تنها در ۳۲۰ آبادی در سال انجام این مطالعه (۱۳۸۵) شورای روستایی دایر بوده است که از این مجموعه ۳۲ روستا جهت بررسی برگزیده شده‌اند. مشخصات ۳۲ روستای یاد شده در جدول شماره ۱ درج گردیده است.

۱- برابر نتایج مقدماتی سرشماری سال ۱۳۸۵ که هنوز به‌طور رسمی منتشر نشده است جمعیت شهرستان سبزوار به ۴۳۸/۵۱۴ هزار نفر رسیده که از این تعداد ۵۷ درصد در نقاط شهری و ۴۳ درصد در نقاط روستایی ساکن می‌باشند. (فرمانداری سبزوار، ستاد سرشماری ۱۳۸۵)



جدول ۱: مشخصات کلی روستاهای مورد بررسی در سطح شهرستان سبزوار

نام بخش	نام دهستان	نام روستا	جمعیت		وضعیت توپوگرافی	وضعیت تقسیمات کشوری	تعداد اعضای شورا به نفر
			خانوار	نفر			
مرکزی	قصبه‌ی غربی	ابارش	۳۳۸	۹۶۸	دشتی	روستای تابعه	۳
	قصبه‌ی شرقی	ایزی	۵۶۳	۲۲۰۳	دشتی	مرکز دهستان	۵
	قصبه‌ی غربی	حارث‌آباد	۳۴۳	۹۰۹	دشتی	روستای تابعه	۳
	رباط	قره‌قلی	۱۸۰	۷۸۴	پایکوهی	روستای تابعه	۳
	کراب	قز	۱۲۵	۴۲۰	پایکوهی	روستای تابعه	۳
جغتای	میان‌جویین	خسروشیر	۱۲۰	۷۲۶	دشتی	روستای تابعه	۳
	پایین‌جویین	خلیل‌آباد	۸۱	۳۷۰	دشتی	روستای تابعه	۳
	جغتای	حطیطه	۹۴	۴۱۸	پایکوهی	روستای تابعه	۳
	دستوران	گفت	۱۶۵	۸۳۷	پایکوهی	روستای تابعه	۳
	میان‌جویین	عبدل‌آباددیواده	۵۹۱	۲۹۵۳	دشتی	مرکز دهستان	۵
جویین	حکم‌آباد	ابراهیم‌آبادبقایری	۲۹	۹۲	دشتی	روستای تابعه	۳
	حکم‌آباد	حکم‌آباد	۷۸۱	۳۴۱۵	دشتی	مرکز دهستان	۵
	پیراکوه	رامشین	۱۳۶	۵۳۸	پایکوهی	روستای تابعه	۳
	حکم‌آباد	کریم‌آباد	۱۵۹	۷۱۰	دشتی	روستای تابعه	۳
	بالاجویین	عباس‌آباد ملک	۱۵۹	۷۶۲	دشتی	روستای تابعه	۳
خوشاب	طیس	بازقند	۷۲	۲۴۰	پایکوهی	روستای تابعه	۳
	دره‌ی یام	دیوانگاه	۸۵	۲۷۴	پایکوهی	روستای تابعه	۳
	طیس	شم‌آباد	۱۸۳	۷۷۲	دشتی	مرکز دهستان	۳
	سلطان‌آباد	کیخسرو	۱۱۰	۵۱۵	دشتی	روستای تابعه	۳
	طیس	طیس	۲۲۷	۹۰۷	پایکوهی	روستای تابعه	۵
داورزن	رباط‌گز	عبدل‌آبادرباط	۴۲	۲۵۲	دشتی	روستای تابعه	۳
	مزینان	دهنو	۳۰	۱۵۰	پایکوهی	روستای تابعه	۳
	مزینان	کاهک	۱۲۵	۵۵۰	دشتی	روستای تابعه	۳
	کاه	صدخرو	۸۰۹	۲۸۷۶	دشتی	مرکز دهستان	۵
	باشتین	مهرآباد	۱۱۸	۵۰۶	دشتی	روستای تابعه	۳
روداب	کوه‌همایی	اجنورد	۴۶	۲۱۸	تپه‌ای	مرکز دهستان	۳
	خواستد	درقدم	۱۰۵	۴۵۵	دشتی	روستای تابعه	۳
	فروغن	شمس‌آباد	۱۶۵	۶۹۳	دشتی	روستای تابعه	۳
ششتمد	ربع‌شامات	البلاغ	۱۱۳	۵۳۲	دشتی	روستای تابعه	۳
	تکا کوه‌میش	تندک	۳۹۰	۱۵۸۹	پایکوهی	مرکز دهستان	۵
	بیهق	کیدور	۳۳۸	۱۳۹۶	تپه‌ای	روستای تابعه	۳
	شامکان	علی‌آباد ترکان	۳۵	۱۴۸	دشتی	روستای تابعه	۳
جمع کل	۲۵	۳۲	۶۸۵۸	۲۸۱۷۸			

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، شهرستان سبزوار، ۱۳۸۴^۱.

۱- برابر اعلام سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح در پیشگفتار فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور اطلاعات این منبع در سال ۱۳۸۱ گردآوری شده است و مبنای اطلاعات جمعیتی همان سال ۱۳۷۵ است که با توجه به منابع دیگر اندکی به روز گردیده است.



نتایج و تجربه و تحلیل مطالعات میدانی

همانگونه که قبلاً بیان شد این پژوهش در چارچوب ارزیابی ده ویژگی خرده فرهنگ دهقانی راجرز صورت گرفته است که به ترتیب ذیل نتایج این مطالعات ارائه می‌گردد.

- عدم اعتماد در روابط متقابل شخصی

این ویژگی در قالب سه پرسش زیر از پاسخگویان عضو شوراهای اسلامی در ۳۲ روستای نمونه پرسیده شد.

- میزان اعتماد مردم نسبت به یکدیگر .

- میزان اعتماد شورا نسبت به مردم.

- میزان اعتماد مردم نسبت به شوراهای روستایی.

پاسخ‌های ارائه شده به شرح جدول شماره ۲ جمع‌بندی شده است.

جدول ۲: وضعیت اعتماد متقابل میان شورای روستایی با مردم، مردم با شورا و مردم با مردم

از دیدگاه شوراهای روستایی

ردیف	عنوان پرسش	زیاد		متوسط		کم		بدون پاسخ		جمع کل
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱	میزان اعتماد مردم روستا نسبت به یکدیگر	۲۸	۱۹	۵۹	۴	۱۲/۵	۰	۰	۳۲	۱۰۰
۲	میزان اعتماد مردم روستا نسبت به شورای روستا	۲۸	۲۰	۶۲/۵	۲	۶	۱	۳	۳۲	۱۰۰
۳	میزان اعتماد شورای روستایی نسبت به مردم روستا	۳۱	۱۸	۵۶	۴	۱۲/۵	۰	۰	۳۲	۱۰۰
	معدل گزینه‌ها	۲۹	۱۹	۵۹	۳	۱۰	۱	۱	۳۲	۱۰۰

از بررسی مندرجات جدول فوق نتایج زیر قابل حصول است.

۱- ملاحظه می‌شود که در هر سه پرسش گزینه‌ی «متوسط» با ۵۹ درصد، اکثریت پاسخ‌دهندگان را در برمی‌گیرد. سه گزینه (زیاد، متوسط، کم) در تیپ‌های مختلف روستایی اعم از بزرگ و کوچک و متوسط دشتی و پایکوهی و یا دارای رونق اقتصادی و یا کم رونق دیده می‌شود و لذا تیپ‌های خاص روستایی روستاهای نمونه با انتخاب هریک از گزینه‌های مذکور رابطه‌ی خاصی ندارد.



۲- معدل درصد گزینه‌ی اعتماد «زیاد» بین مردم روستا، بین شورا و مردم و نهایتاً مردم با شوراهای روستایی ۲۹ درصد است. به عبارت دیگر از دیدگاه شوراهای روستایی اقشار مختلف روستا اعتماد زیادی به یکدیگر ندارند.

۳- گزینه اعتماد «کم» به عنوان انتهای طیف نیز درصد کمی از پاسخ‌ها را در بر گرفته و میانگین آن برای هر سه پرسش معادل ۱۰ درصد می‌باشد.

یعنی آن‌که: چنانکه تئوری راجرز حد نهایی و مطلوب اعتماد متقابل «زیاد» را مد نظر داشته باشد این حالت اعتماد متقابل در روابط شخصی ما بین مردم روستا و مردم روستا با شوراهای روستایی و بالعکس برقرار نیست و لیکن اگر با تسامح به قضیه بنگریم نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد که اهالی روستاهای مورد بررسی اعتمادی به یکدیگر ندارند. در هر حال عدم اعتماد و یا اعتماد کم در روابط متقابل شخصی در روستاها می‌تواند بنیان‌های اجتماعی توسعه را تضعیف نماید.

- فقدان نوآوری

سعی شده است این ویژگی با این پرسش که تحت عنوان «در سال‌های اخیر آیا استفاده از ابزار جدید و یا روش جدید در زمینه تولید و یا خدمات روستایی را در روستا مشاهده، نموده‌اید؟» سنجیده شود. اعضای شوراهای روستایی در ۱۶ روستا که معادل ۵۰ درصد کل روستاهای مورد بررسی است، بیان نموده‌اند که در سال‌های اخیر از ابزار و روش‌های جدید در زمینه‌ی تولید استفاده نموده‌اند این نوآوری‌ها که اکثر قریب به اتفاق منشایی خارج از روستا داشته است، طیفی از موارد مربوط به کشاورزی، صنعت و یا حتی خدمات را در برمی‌گیرد مواردی شبیه:

- استفاده از شیردوش جدید.

- ایجاد کارخانه گاز اکسیژن توسط روستاییان.

- کشت مکانیزه.

- استفاده از گونه‌ی جدید گندم برای کشت.

- استفاده از شیوه‌ی جدید آبرسانی با استفاده از لوله‌های پلی‌اتیلن جهت جلوگیری از هدر رفتن آب.

- رواج کشت پسته و زعفران و بادام دیرگل در روستاهایی که سابقه‌ی این نوع کشت را نداشته‌اند.

- استفاده از خدمات اینترنت در برخی از روستاها.

روستاهایی که نوآوری‌های جدید را تجربه نموده‌اند در میان همه تیپ‌های روستایی روستاهای نمونه دیده می‌شود و نتیجه‌گیری خاصی در این مورد نمی‌توان داشت جز آن که این نوآوری با محیط جغرافیایی و نوع تولید روستاها همخوانی داشته است. بنابراین باید گفت که:



اولاً: هنوز در نیمی از روستاها زمینه نوآوری دیده نمی‌شود. ثانیاً: به گمان نگارنده اکنون قسمت عمده‌ی مقاومت روستاییان در برابر نوآوری‌های فرهنگی و اجتماعی است تا زمینه‌هایی از نوآوری، که ارتباط با ساختار اقتصادی روستاییان داشته باشد. ثالثاً: نباید از نظر دور داشت که منشأ بسیاری از نوآوری‌هایی که در روستا به کار بسته می‌شود خارج از روستا است و در واقع آنچه در روستاها قابل مشاهده است بیشتر نحوه‌ی پذیرش نوآوری است نه ایجاد آن.

- تقدیرگرایی

تقدیرگرایی یا تسلیم سرنوشت بودن یکی از معیارهای خرده‌فرهنگ دهقانی محسوب می‌گردد. برای سنجش این ویژگی پرسشی تحت عنوان ذیل از پاسخگویان عضو شوراهای روستایی پرسیده شده است.

« تا چه حد فکر می‌کنید قضا و قدر (قسمت) در پیشرفت زندگی و روستای شما مؤثر است پاسخ‌دهندگان می‌توانستند چهار گزینه‌ی ذیل را برگزینند.

- عدم اعتقاد به قسمت - اعتقاد کم به قسمت - اعتقاد نسبی به قسمت - اعتقاد زیاد به قسمت
نتایج بررسی این ویژگی در رابطه با شغل اعضای شورا و میزان تحصیلات آنان در جداول شماره ۳ و ۴ درج گردیده است.

- به طور کلی ۵۰ درصد از شوراهای روستایی در ۱۶ روستا به قسمت اعتقادی ندارند.
- ۱۶ درصد در ۵ روستا به قضا و قدر اعتقاد کمی دارند.

- ۱۲/۵ درصد در ۴ روستا نسبتاً به قضا و قدر اعتقاد دارند. و نهایتاً ۱۶ درصد از شوراهای مورد بررسی در ۵ روستا اعتقاد زیادی به قضا و قدر و قسمت دارند. بررسی نتایج این مبحث در رابطه با میزان تحصیلات اعضای شوراها حاکی از موارد ذیل است.

- ۴۵ درصد از اعضای شوراهای روستایی که به قضا و قدر اعتقادی نداشتند دارای تحصیلات ابتدایی و پایین‌تر از آن بودند.

- ۸۰ درصد از اعضای شوراهایی که به قضا و قدر اعتقاد کمی داشتند سواد ابتدایی و پایین‌تر از آن داشتند.

- ۸۶ درصد از اعضای شوراهایی که نسبتاً به قضا و قدر اعتقاد داشتند تحصیلات ابتدایی و پایین‌تر از آن داشتند. مسأله دیگر آن که در میان اعضای شوراهای روستایی که به قضا و قدر (قسمت) اعتقاد کم، نسبتاً و یا زیاد داشتند هیچ عضوی با مدرک تحصیلی لیسانس دیده نمی‌شود.



جدول ۳: رابطه‌ی تقدیرگرایی با سطح تحصیلات اعضای شوراهای روستایی روستاهای نمونه

ردیف	نام گروه شوراهای روستایی هم نظر	تعداد شوراهای روستا	تعداد کل شوراهای روستاهای نمونه	درصد از کل شوراهای روستاهای نمونه	تعداد اعضای شورای جوانان و بوشنی	تعداد اعضای شورای جوانان و بوشنی	درصد اعضای شورای جوانان و بوشنی	تعداد اعضای شورای ابتدایی	تعداد اعضای شورای ابتدایی	درصد اعضای شورای ابتدایی	تعداد اعضای شورای راهنمایی	تعداد اعضای شورای راهنمایی	درصد اعضای شورای راهنمایی	تعداد اعضای شورای متوسطه	تعداد اعضای شورای متوسطه	درصد اعضای شورای متوسطه	تعداد اعضای شورای دبیران	تعداد اعضای شورای دبیران	درصد اعضای شورای دبیران	تعداد اعضای شورای فوق دبیران	تعداد اعضای شورای فوق دبیران	درصد اعضای شورای فوق دبیران	تعداد اعضای شورای لیسانس	تعداد اعضای شورای لیسانس	درصد اعضای شورای لیسانس	تعداد کل اعضای شورا	درصد از کل شوراهای مورد بررسی
۱	به قضا و قدر اعتقادی ندارند	۱۶	۵۰	۳۲٪	۴	۷	۱۹٪	۳۷	۴	۸٪	۷	۱۴٪	۲۷	۳	۶٪	۶	۷٪	۱۴٪	۴۱	۵۱	۴۹٪	۷	۱۴٪	۴۱	۵۱	۴۹٪	
۲	به قضا و قدر اعتقاد کمی دارند	۵	۱۶	۲۳٪	۱	۷	۱۱٪	۷۳	۱	۲٪	۷	۱۳٪	۰	۰	۰٪	۰	۰٪	۴۹	۱۵	۱۴٪	۰	۰٪	۰	۰٪	۱۵	۱۴٪	
۳	به قضا و قدر نسبتاً اعتقاد دارند	۴	۱۲/۵	۳۶٪	۷	۵۰	۵۰٪	۳۶	۰	۰٪	۰	۰٪	۷	۱	۱۳٪	۷	۰٪	۴۲	۱۴	۱۳٪	۷	۰٪	۰	۰٪	۱۴	۱۳٪	
۴	اعتقاد زیادی به قضا و قدر دارند	۸	۱۶	۳۵٪	۴	۲۴	۶۲٪	۳۵	۳	۷٪	۱۸	۳۵٪	۱۸	۱	۱۳٪	۶	۱۲٪	۴۳	۱۷	۱۶٪	۶	۰٪	۰	۰٪	۱۷	۱۶٪	
۵	بدون پاسخ	۲	۶	۶۲٪	۰	۰	۰٪	۶۲	۰	۰٪	۰	۰٪	۲۵	۱	۱۳٪	۱۲	۰٪	۴۳	۸	۸٪	۸	۰٪	۰	۰٪	۸	۸٪	
جمع		۳۲	۱۰۰	۴۴٪	۱۶	۱۵	۴۶٪	۴۴	۸	۲۰٪	۸	۲۲٪	۲۱	۶	۱۶٪	۶	۷٪	۷	۱۰۵	۱۰۰٪	۸	۷٪	۷٪	۱۰۵	۱۰۰٪		



جدول شماره ۴: رابطه تقدیرگرایی با نوع شغل اعضای شوراهای روستایی مورد بررسی

نام گروه شوراهای روستایی هم نظر	تعداد شورای روستا	تعداد اعضای روستاها	تعداد اعضای روستای کشاورزی	تعداد اعضای روستای دامپروری	تعداد اعضای روستای باغداری	تعداد اعضای روستای باغچه‌گرداری	تعداد اعضای روستای باغبانی	تعداد اعضای روستای دامپروری	تعداد اعضای روستای باغداری	تعداد اعضای روستای باغچه‌گرداری	تعداد اعضای روستای باغبانی	تعداد اعضای روستای دامپروری	تعداد اعضای روستای باغداری	تعداد اعضای روستای باغچه‌گرداری	تعداد اعضای روستای باغبانی	تعداد اعضای روستای دامپروری	تعداد اعضای روستای باغداری	تعداد اعضای روستای باغچه‌گرداری	تعداد اعضای روستای باغبانی
به قضا و قدر اعتقادی ندارند	۱۶	۵۰	۵۱	۴۹	۳۱	۴۱	۱۰	۲۰	۲	۶	۱۱	۳۲	۱	۲	۵	۱۰	۱۳	۷	۱۲
به قضا و قدر اعتقاد کمی دارند	۵	۱۶	۱۵	۱۴	۸	۵۳	۱	۷	۲	۱۳	۱	۷	۱	۱	۲	۱۳	۲	۷	۱۳
به قضا و قدر نسبتاً اعتقاد دارند (متوسط)	۴	۱۲/۵	۱۴	۱۳	۱۱	۷۹	۱	۷	-	-	۱	۷	-	-	۱	۷	۱	۷	۷
اعتقاد زیادی به قضا و قدر دارند	۵	۱۶	۱۷	۱۶	۱۲	۷۱	۱	۶	۱	۶	۱	۶	-	-	۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
بدون پاسخ	۲	۶	۸	۸	۲	۲۵	۱	۱۲/۵	۱	۱۲/۵	۳	۳۷/۵	-	-	۱	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۲/۵
جمع	۳۲	۱۰۰	۱۰۵	۱۰۰	۵۴	۵۱	۱۴	۱۳	۷	۷	۱۷	۱۶	۲	۲	۱۱	۱۰	۱۳	۷	۱۲



بررسی رابطه‌ی شغل اعضای شوراهای روستایی و میزان اعتقاد آنها به قضا و قدر (قسمت) نتایج زیر را به دنبال دارد:

- گروه شوراهای روستایی که به قضا و قدر اعتقادی ندارند کمترین درصد عضو کشاورز را با رقمی معادل ۴۱ درصد دارا می‌باشند. در حالی که این درصد برای شوراهای روستایی که اعتقاد کمی به قضا و قدر دارند ۵۳ درصد و برای آنهایی که نسبتاً اعتقاد به قسمت دارند معادل ۷۹ درصد است و نهایتاً درصد مذکور برای آنانی که به قضا و قدر اعتقاد زیاد دارند برابر با ۷۱ درصد است.

همچنین میزان تقدیرگرایی با درصد حضور معلمین از شوراهای روستایی کاهش می‌یابد. به‌گونه‌ای که :

- شوراهای روستایی که به قضا و قدر اعتقاد ندارند ۲۰ درصد از اعضای آن معلم هستند
 - شوراهای روستایی که به قضا و قدر اعتقاد کمی دارند ۷ درصد از اعضای آن معلم هستند
 - شوراهای روستایی که نسبتاً به قضا و قدر اعتقاد دارند ۷ درصد از اعضای آن معلم می‌باشند
 - و سرانجام شوراهای روستایی که به قضا و قدر اعتقاد زیاد دارند ۶ درصد از اعضای آن آموزگاران
 بنابراین: به تناسب افزایش میزان تقدیرگرایی درصد اعضای کشاورز شورای روستا بیشتر شده و به تناسب کاهش میزان تقدیرگرایی درصد اعضای آموزگار شوراهای روستایی افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر:

اولاً: با افزایش سطح تحصیلات میزان تقدیرگرایی تا حد زیادی کاهش می‌یابد
 ثانیاً: شوراهای روستایی که کشاورزترند تقدیرگراترند

- پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات

برای سنجش این ویژگی خرده‌فرهنگ دهقانی که می‌تواند میزان ایده‌آل‌گرایی روستاییان را که خود نحوه‌ی هدف‌گذاری در توسعه‌ی روستایی را شکل می‌دهد بسنجد. پرسش زیر از اعضای شوراهای روستایی پرسیده شده: «بزرگترین آرزوی شما جهت پیشرفت روستایتان چیست؟»

پاسخ‌دهندگان به این پرسش عموماً «مرحله‌ای بالاتر» از سطح توسعه‌ای که در حال حاضر دارند مطرح می‌کردند. مثلاً در روستای ابارش که در فاصله ۴ کیلومتری شهر سبزوار قرار دارد و دارای آب و برق و گاز و تلفن منازل و خط واحد اتوبوس‌رانی است و کمترین خانوار تحت پوشش کمیته امداد را در میان ۳۲ روستای مورد بررسی دارد؛ اجرای «طرح هادی» که نیاز مبرم روستاست به عنوان بزرگترین آرزو از سوی شورای روستا اعلام شده است. اعضای شورای روستایی حکم‌آباد که روستایی پرجمعیت و نسبتاً پردرآمد و بهره‌مند است و روستای مذکور



هم‌اکنون مرکز دهستان می‌باشد. «ایجاد مرکز بخش» و «تأسیس شهرداری» را به عنوان بزرگترین آرزوی شورای روستا عنوان نمودند.

نتیجه آنکه: سطح آرزوها و تمایلات اعضای شوراهای روستایی در روستاهای مورد بررسی تابعی از روند توسعه روستا و مبتنی بر نیازهای مبرم روستا می‌باشد و بنابراین عنوان کردن این آرزوها منطقی به نظر می‌رسد به عبارت دیگر سطح آرزوهای شوراهای روستایی با مرحله‌ای بالاتر از وضع موجود در روستا که غالباً نیاز مبرم روستا نیز بود، انطباق پیدا می‌کرد.

چشم‌پوشی نکردن از منافع آنی برای منافع آتی

این ویژگی خرده فرهنگ دهقانی با طرح پرسش زیر در میان اعضای شوراهای روستایی روستاهای نمونه مورد سنجش قرار گرفت:

«چنانچه قرار باشد مبلغی در اختیار روستا قرار گیرد که یا به‌طور سرانه در اختیار خانواده‌های روستا قرار دهید و یا این که این اعتبار صرف بهبود کشاورزی مثلاً ایجاد سیستم آبیاری قطره‌ای در روستا گردد. اولویت صرف آن در کدام مورد فوق است.»

پاسخگویان عضو شوراهای روستایی در ۲۸ روستا که معادل ۸۷/۵ درصد از روستاهای مورد مطالعه بودند، پروژه تولیدی و یا اینکه طرح‌های اساسی مربوط به بهبود کشاورزی را ترجیح می‌دادند و تنها در ۴ روستا راه‌حل‌های دیگر از جمله تقسیم ۵۰ درصد اعتبار مورد نظر برای کارهای تولیدی و توزیع ۵۰ درصد مابقی به‌طور سرانه در میان مردم و یا توزیع کل اعتبار در بین اهالی روستا را عنوان نمودند. ۲ روستای بازقند و قره‌قلی با درصد خانوار تحت پوشش کمیته امداد معادل ۳۴ درصد و ۲۹ درصد که هر دو پایکوهی‌اند و همچنین روستاهای خلیل‌آباد و عبدل‌آباد و رباط‌گز که هر چند به لحاظ دشتی بودن و برخورداری از مزایای چاه عمیق وضعیت اقتصادی مناسب‌تری دارند ولی هر دو روستا از روستاهای کوچک با تسهیلات رفاهی اندک به حساب می‌آیند، مجموعه‌ی این چهار روستا را تشکیل می‌دهند.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که حداقل در میان اعضای شوراهای مورد بررسی و دست‌کم در حوزه آنچه که مربوط به اقتصاد عمومی روستا است نمی‌توان این ویژگی خرده فرهنگ دهقانی را اثبات نمود.

کم‌اهمیتی به عامل زمان

دقت در زمان امروز یکی از عوامل عمده توسعه به شمار می‌رود. اکنون ببینیم برخورد مدیران روستایی با بودجه زمان چگونه است. پرسشی که برای سنجش این ویژگی طرح شد با این مضمون بود: «آیا زمان خاصی را برای فعالیت شورای روستا در طول هفته در نظر گرفته‌اید». ۲۸ شورای روستایی از مجموعه ۳۲ روستای مورد مطالعه که معادل ۸۷/۵ درصد از کل شوراهای روستایی نمونه می‌باشد، اعلام کردند که زمان خاصی را برای فعالیت شورای



روستا در نظر نگرفته‌اند. تنها ۴ روستا (۱۲/۵ درصد) زمان مشخصی را برای کار شورا منظور نموده‌اند. این چهار روستا دارای ویژگی‌های مشترک ذیل است.

- در سه روستای حطیپه، صدخرو، حکم‌آباد، ریاست شورا دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر می‌باشد.

- به ترتیب در روستاهای حطیپه ۱۰۰ درصد، حکم‌آباد ۸۰ درصد و صدخرو ۴۰ درصد از اعضای شورا دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر هستند.^۱

- دو روستای صدخرو و حکم‌آباد از مجموعه‌ی این چهار روستا از جمله بزرگترین و پرجمعیت‌ترین روستاهای شهرستان سبزوار می‌باشند که اداره‌ی امور آنها مستلزم برقراری نظم خاصی است.

- دهیاران هر سه روستای حطیپه، صدخرو، حکم‌آباد دارای تحصیلات لیسانس و حتی بالاتر می‌باشند.

- روستای حطیپه علی‌رغم کمی جمعیت سطح نسبتاً بالاتر باسوادی را دارد به نحوی که درصد سواد اهالی این روستا در سال ۱۳۷۵ ۸۰ درصد بوده است.

- مورد روستای درقدم در این مجموعه چهار روستا که فاقد ویژگی‌های فوق می‌باشد، یک استثنا است. هرچند تجربه چند دوره‌ی عضویت شورا برای برخی از اعضای این شورا خود عامل تأثیرگذاری در این مورد محسوب می‌گردد.

بنابراین: اکثریت قاطع شوراهای روستایی زمان خاصی را برای فعالیت شوراها در نظر نگرفته‌اند یا نتوانسته‌اند در نظر بگیرند. در حالی که برخی از اعضای شوراهای روستایی مورد مصاحبه ضمن ابراز گله‌مندی از مراجعه‌ی «وقت و بی‌وقت» روستاییان به منازل خود برای امور شورا اظهار می‌داشتند که ما سعی کردیم زمان خاصی را برای فعالیت شورا در نظر بگیریم اما این قضیه در میان روستاییان جا نیفتاد.

- خانواده‌گرایی^۲

برای سنجش این خصوصیت خرده‌فرهنگ دهقانی سعی شد میزان ارتباط آرای اعضای شوراهای روستایی با تعداد وابستگان و اقوام آنان به عنوان یک شاخص از طریق پرسش زیر سنجیده شود: «تصور می‌نمایید چند درصد آرای اعضای شورای روستا توسط خانواده‌ها و وابستگان و اقوام به صندوق ریخته شده است.» جدول شماره‌ی ۵ نشان‌دهنده‌ی نتایج حاصل شده از این پرسش است.

۱- در مورد روستای صدخرو اضافه کردن این نکته ضروری به نظر می‌رسد که پایین بودن میزان تحصیلات شورای روستای صدخرو نسبت به دو روستای دیگر با عملکرد موفق رئیس مجرب شورا کم‌رنگ به نظر می‌رسد.

۲- فی‌هیسائو تونگ (Fei Hsiao Tung) محقق چینی ضمن اشاره به نوع زندگی دهقانان معتقد است که این نحوه‌ی زندگی نوعی روحیه‌ی اجتماعی در دهقان به وجود می‌آورد که به خانواده‌ی خود متکی و نسبت به دیگران بدبین و بی‌اعتماد می‌شود. (Daniel Little, ۱۳۷۲، ص: ۲۰۱).



جدول ۵: فهرست مرتب شده درصد آراء قومی روستاها از دیدگاه اعضای شوراهای روستایی

نام روستا	جمعیت به خانوار	وضعیت تجانس قومی	وضعیت توپوگرافی	درصد آراء قومی	نام روستا	جمعیت به خانوار	وضعیت تجانس قومی	وضعیت توپوگرافی	درصد آراء قومی
ابراهیم آباد بقایری	۲۹	متجانس	دشتی	۱۰۰	قز	۱۲۵	متجانس	پایکوهی	۳۰
علی آباد ترکان	۳۵	متجانس	دشتی	۱۰۰	حکم آباد	۷۸۱	کمر متجانس	دشتی	۳۰
قره قلی	۱۸۰	متجانس	پایکوهی	۹۸	عبدل آباد خوشاب	۴۲	متجانس	دشتی	۳۰
رامشین	۱۳۶	متجانس	پایکوهی	۹۰	دهنو	۳۰	متجانس	پایکوهی	۳۰
خسروشیر	۱۲۰	متجانس	دشتی	۹۰	ایزی	۵۶۳	نسبتاً متجانس	دشتی	۲۰
ابارش	۳۳۸	نسبتاً متجانس	دشتی	۸۰	شم آباد	۱۸۳	متجانس	دشتی	۲۰
دیوانگاه	۸۵	متجانس	پایکوهی	۷۰	مهرآباد	۱۱۸	متجانس	دشتی	۲۰
طبس	۲۲۷	متجانس	پایکوهی	۷۰	صدخرو	۸۰۹	متجانس	دشتی	۲۰
بازقند	۷۳	متجانس	پایکوهی	۶۰	تندک	۳۹۰	متجانس	پایکوهی	۲۰
کیخسرو	۱۱۰	نسبتاً متجانس	دشتی	۶۰	کیدور	۳۳۸	متجانس	تپه‌ای	۲۰
حطیطه	۹۴	متجانس	پایکوهی	۵۰	درقدم	۱۰۵	متجانس	تپه‌ای	۱۰
کریم آباد	۱۵۹	متجانس	دشتی	۵۰	البلاغ	۱۱۳	متجانس	تپه‌ای	۶۰
شمس آباد	۱۶۵	متجانس	دشتی	۵۰	کاهک	۱۲۵	متجانس	دشتی	۵۰
گفت	۱۶۵	متجانس	پایکوهی	۳۵	خلیل-آباد	۸۱	متجانس	دشتی	بدون رأی قومی
حارث آباد	۳۴۳	متجانس	دشتی	۳۵	عباس آباد ملک	۱۵۹	نسبتاً متجانس	دشتی	بدون رأی قومی
عبدل آباد ریواده	۵۹۱	نامتجانس	دشتی	۳۰	اجنورد	۴۶	متجانس	تپه‌ای	بدون رأی قومی

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، شهرستان سبزوار: ۱۳۸۴.



میزان رأی قومی و خویشاوندی ضمن آنکه برآیند میزان تحولات اجتماعی و فرهنگی روستا می‌باشد، خود تأثیرگذار بر روند عملکرد شورای روستایی خواهد بود، از آن جهت که هرچه بر میزان آراء خویشاوندی در روستا برای هر عضو شورا افزوده شود به همان نسبت وی اولاً باید در درجه اول موکلین خویش را که رابطه‌ی خویشاوندی با او دارند، طی مدت تصدی راضی نگه دارد؛ ثانیاً موکلین این فرد به هنگام رأی دادن میزان عملکرد، لیاقت، تحصیلات این عضو شورا و سایر نامزدها را کمتر مد نظر قرار داده و بیشتر به کسانی رأی می‌دهند که با آنها رابطه‌ی خویشاوندی داشته باشند. به گمان نگارنده این مکانیزم عمل مشوق شورای روستا برای فعالیت بیشتر و توسعه مدرن‌تر در روستا نخواهد بود. با نگاهی به جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود که هنوز هم ۱۳ شورای روستایی معادل ۴۱ درصد از کل روستاهای مورد بررسی به میزان ۵۰ درصد و بیشتر رأی قومی در ترکیب آرای خود دارند و چنانچه این رقم را با گروه روستاهایی که رأی قومی بین ۲۰ درصد تا ۵۰ درصد دارند بعلاوه نماییم، خواهیم دید که ۲۰ روستا یعنی معادل ۶۱ درصد از کل روستاهای مورد مطالعه تحت تأثیر این مکانیزم در انتخاب اعضای شورا قرار دارند.

نکته‌ی دیگر آنکه: روستاهای بزرگتر (۱۵۰۰ نفر جمعیت و بیشتر) در محدوده‌ی رأی قومی ۵۰ درصد و بالاتر قرار ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد روستاهای پرجمعیت با جمعیت بیشتر از ۱۵۰۰ نفر فرصت کمتری برای رأی قومی فراهم می‌نمایند و زمینه‌ی انتخاب اعضای شورای روستا براساس شایستگی‌های فردی آماده‌تر است.

نتیجه‌ی دیگر آنکه: ۶۱ درصد از روستاهای که هنوز به میزان ۵۰ درصد و بالاتر رأی قومی دارند روستاهای پایکوهی هستند که به دلیل عامل توپوگرافیک از «چاه عمیق» محرومند و اقتصاد معیشتی دارند.

همچنین باید گفت که: میانگین درصد خانوار تحت پوشش کمیته‌ی امداد که خود شاخصی از فقر روستا می‌باشد، در روستاهایی که رأی قومی بالاتر از ۵۰ درصد دارند معادل ۲۷ درصد بوده و به میزان ۳ درصد از میانگین خانوارهای تحت پوشش کل روستاهای مورد بررسی بیشتر است. هرچند بطور کلی این شاخص با توجه به مندرجات جدول شماره‌ی ۶ هماهنگی چندان زیادی را با رأی قومی شورای روستایی نشان نمی‌دهد.



جدول ۶: رابطه میان درصد رأی قومی و خوشنودنی با میزان جمعیت، درصد خانوار تحت پوشش کمیته امداد و توپوگرافی روستا

نام گروه روستایی هم عقیده	تعداد روستا	تعداد روستاهای مورد بررسی	درصد از کل روستاهای مورد بررسی	تعداد روستاهای بزرگ	درصد روستاهای بزرگ	تعداد روستاهای متوسط	درصد روستاهای متوسط	تعداد روستاهای کوچک زیر یک صد خانوار	درصد روستاهای کوچک زیر یک صد خانوار	تعداد خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد	وضعیت تجمیعی قومی	تعداد روستاهای دلتی	درصد روستاهای دلتی	تعداد روستاهای پایکوهی	درصد روستاهای پایکوهی
روستاهای کماغی-شوراهی روستایی بالاتر از ۵۰ درصد رأی قومی داشته‌اند	۱۳	۴۱	۴۱	۱	۱	۷	۶۱	۵	۳۹	۲۷	متنوع عمدتاً	۵	۳۹	۷	۶۱
روستاهایی که اعضای شورای روستایی بین ۲۰ درصد تا ۵۰ درصد رأی قومی داشته‌اند	۷	۲۲	۲۲	۲	۲۹	۲	۴۳	۲	۲۹	۱۹	روستایی توپوگرافی	۵	۷۱	۲	۲۹
روستاهایی که اعضای شورای روستایی آن ۲۰ درصد و کمتر رأی قومی داشته‌اند	۹	۲۸	۲۸	۳	۳۳	۶	۶۷	-	-	۲۳	متنوع	۶	۶۶	۳	۳۴
روستاهایی که اعضای شورای روستایی رأی قومی نداشته‌اند	۳	۹	۹	-	-	۱	۳۳	۲	۶۶	۳۰	متنوع	۲	۶۶	۱	۳۳
جمع کل	۳۲	۱۰۰	۱۰۰	۵	۱۶	۱۸	۵۶	۹	۲۸	۲۲		۱۸	۵۶	۱۴	۴۴

ه اطلاعات مربوط به تعداد خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد روستاهای مورد بررسی از کمیته‌های امداد مربوطه اخذ شده است.

**- وابستگی به قدرت دولت**

از آنجایی که براساس نظر هورتن^۱ الگوهای نفوذ در جامعه‌ی روستایی کل ساختار قدرت را در بر می‌گیرد و منظور از قدرت توانایی کنترل اعمال دیگران است (چیتا مبار^۲، ۱۳۷۸، : ۲۲۸). بنابراین در جامعه‌روستایی اعتقاد به قدرت دولت در توانایی کنترل اعمال دیگران بسیار بیشتر بوده و وابستگی به قدرت دولت نیز زیادتر است. برای سنجش این ویژگی که خود از مختصات خرده‌فرهنگ دهقانی به شمار می‌رود، دو پرسش زیر طرح شد:

۱- آیا در حال حاضر زباله در روستا جمع‌آوری و دفن می‌شود؟

۲- یکی از مشکلات فعلی روستاها مسأله جمع‌آوری و دفن زباله است. تصور می‌کنید این کار از وظایف دولت و بخش‌داری‌هاست یا شورا و دهیاری؟

ابتدا باید مد نظر داشت که علی‌رغم مفاد آیین‌نامه‌ها و مقررات موجود، جمع‌آوری و دفن زباله از وظایف دهیاری‌های روستایی که زیر نظر شورا انجام وظیفه می‌نمایند، می‌باشد و اعضای شوراهای روستایی هم غالباً ادعا می‌کردند که قوانین و آیین‌نامه‌های شورا را مطالعه نموده‌اند اظهارنظرهای زیر صورت گرفته است.

۱- به طور کلی ۱۲ شورای روستایی (۳۷/۵ درصد) از مجموع ۳۲ شورا دولت را موظف به جمع‌آوری و دفن زباله در روستا می‌دانستند؟ ۵ شورای روستایی (۱۶ درصد) اظهار می‌داشتند که دولت با کمک شورا و دهیاری می‌باید اقدام به جمع‌آوری زباله نماید و سرانجام ۱۵ شورای روستایی (۴۷ درصد) شورا و دهیاری روستا را موظف به جمع‌آوری زباله می‌دانستند.

۲- با نگاهی به مندرجات جدول شماره ۷ می‌توان دریافت که رابطه‌ی سطح تحصیلات با میزان وابستگی به دولت همگرایی دارد به نحوی که گروه اعضای شوراهای روستایی که اعتقاد داشتند جمع‌آوری زباله از وظایف دولت است ۶۲ درصد دارای سواد ابتدایی و پایین‌تر بودند. آنان کمترین میزان تحصیلات متوسطه و بالاتر را در میان سه‌گروه مندرج در جدول که معادل ۲۳ درصد می‌باشد، داشتند.

هم‌چنین سطح سواد اعضای شوراهای روستایی که معتقد به همکاری دولت و شورا در امر جمع‌آوری زباله بودند در مقطع متوسطه به میزان ۱۱ درصد بالاتر از گروه اول بود.

1-Horton

2- Chitambar. J. B



Archive of SID



و سرانجام گروه سوم هم نظر اعضای شورای روستایی که جمع‌آوری زباله را از وظایف شورا و دهیاری می‌دانستند. ضمن آنکه ۵۵ درصد از آنان تحصیلات ابتدایی و پایین‌تر داشتند. ۴۰ درصد از اعضای شوراهای این گروه تحصیلات متوسطه و بالاتر داشتند یعنی درصد اعضای شورا باسواد متوسطه و بالاتر در گروه اخیر دو برابر گروه اول که جمع‌آوری زباله را از وظایف دولت می‌دانستند بود.

۳- درصد اعضای کشاورز گروه اول که دولت را متولی جمع‌آوری زباله در روستا می‌دانستند معادل ۶۰ درصد کل اعضای شوراهای روستایی این گروه می‌باشد. در حالی که این درصد برای گروه دوم که همکاری دولت و شورا را برای اقدام مذکور لازم می‌دانستند ۵۵ درصد و برای گروه سوم که معتقد بودند کار جمع‌آوری زباله از وظایف شورا و دهیاری است به پایین‌ترین حد خود یعنی ۴۵ درصد می‌رسد.

نتیجه آنکه: اعضای شوراهای روستایی در روستاهای مورد بررسی هرچه کشاورزترند و تحصیلات پایین‌تری دارند وابستگی بیشتری به قدرت دولت در زمینه‌ی امور روستا از خود نشان می‌دهند.

- محلی‌گرایی

ویژگی خرده فرهنگ دهقانی فوق با پرسش زیر سنجیده شد.

«تا چه حد تصور می‌کنید که روستای شما بهترین محل زندگی است؟».

بررسی پاسخ‌های اعضای شوراهای روستایی در زمینه‌ی فوق حاکی از نتایج ذیل است:

- ۱- اعضای شوراهای اسلامی ۱۵ روستا معادل ۴۷ درصد از کل روستاهای مورد بررسی به میزان «زیاد» تصور می‌کردند که روستای آنها بهترین محل زندگی است.
- ۲- در ۱۲ روستای دیگر (۳۷/۵ درصد) اعضای شوراهای روستایی «تقریباً» تصور می‌نمودند که روستای آنها بهترین محل زندگی است.
- ۳- اعضای شورای روستایی ۴ روستا به میزان «کمی» اعتقاد داشتند که روستای آنها بهترین محل زندگی است.
- ۴- تنها شورای روستایی یک روستا، روستای خود را بهترین محل زندگی نمی‌دانست.

بنابراین نتیجه آن که:

اولاً: محلی‌گرایی و علاقه به موطن و روستای خود تا حد بالایی از میان اعضای شوراهای روستایی مورد بررسی رواج دارد. به نحوی که جمعاً در ۲۷ روستا معادل ۸۴ درصد از کل روستاها اعضای شوراهای روستایی محل زندگی خود را تا حد زیادی و یا تقریباً بهترین محل زندگی می‌دانند.

ثانیاً: رابطه‌ی خاصی میان سطح تحصیلات و شغل اعضای شورا و میزان محلی‌گرایی آنان مشاهده نشد.



ثالثاً: فقر روستایی تا حدی با میزان یأس از محیط زندگی روستایی در گروه شوراهای روستایی که روستای خود را کمتر مطلوب می‌دانستند مرتبط است. به نحوی که بالاترین درصد خانوار تحت پوشش کمیته امداد معادل ۳۸ درصد در این گروه می‌باشد که به میزان ۱۴ درصد از میانگین درصد خانوارهای تحت پوشش کل روستاهای مورد مطالعه بیشتر است. رابعاً: به گمان نگارنده، محلی‌گرایی هر چند از دیدگاه «راجرز» به عنوان یکی از ویژگی‌های خرده فرهنگ دهقانی محسوب می‌گردد لیکن در روستاهای کم آب و با کشاورزی کم‌رونق مناطق خشک ایران احساس (محلی‌گرایی) خود به عنوان یک عامل نگهدارنده جمعیت و گاهی به صورت موتور محرکه‌ی توسعه‌ی روستایی قلمداد می‌شود و تضعیف آن می‌تواند اسباب تخلیه‌ی روستاهای بیشتری شود. حتی می‌توان با دامن زدن به این احساس انرژی حرکت بیشتری در میان روستاییان برای پیشرفت روستای آنان ایجاد نمود.

- میزان همدلی روستاییان

یکی دیگر از خصوصیات خرده فرهنگ دهقانی راجرز «فقدان همدلی روستاییان» ذکر شده است برای به دست آوردن میزان این همدلی در میان روستاییان نظر اعضای شوراهای روستایی نمونه به صورت ذیل پرسیده شد. «میزان اتحاد و همدلی بین اهالی روستا را جهت پیشبرد امور عمرانی روستا چگونه ارزیابی می‌کنید». نتیجه‌ی این بررسی حاکی از آن است که:

- ۱۴ شورای روستایی معادل ۴۴ درصد از کل روستاهای مورد مطالعه اظهار داشتند اهالی روستاییان همدلی «زیادی» دارند.
- ۱۵ شورای روستایی (۴۷ درصد) میزان همدلی روستاییان روستای خود را «متوسط» ارزیابی نمودند.
- اعضای شورای ۳ روستا (۹ درصد) میزان همدلی «کمی» برای اهالی آبادی خود قایل بودند.
- و سرانجام هیچ شورای روستایی مردم روستای خود را غیرهمدل معرفی نکرد.

بنابراین:

اولاً: مجموع روستاهایی که مردم آنها از دیدگاه شوراهای روستایی همدلی «زیادی» دارند از مجموع روستاهایی که میزان همدلی اهالی آنها متوسط و یا کم ارزیابی شده است، کمتر است. در واقع ۵۶ درصد از اهالی روستاهای مورد بررسی از دیدگاه شوراهای روستایی میزان همدلی نسبی داشته و یا کمتر همدل بوده‌اند.

ثانیاً: واژه «متوسط» و یا «نسبتاً» گاهی گریزی است برای اینکه بیان «منفی» نشود و به اصطلاح «رودر بایستی» های روستایی هم رعایت شود و شورایی که نماینده‌ی مردم است نکته‌ای منفی در مورد آنان بیان ننماید».

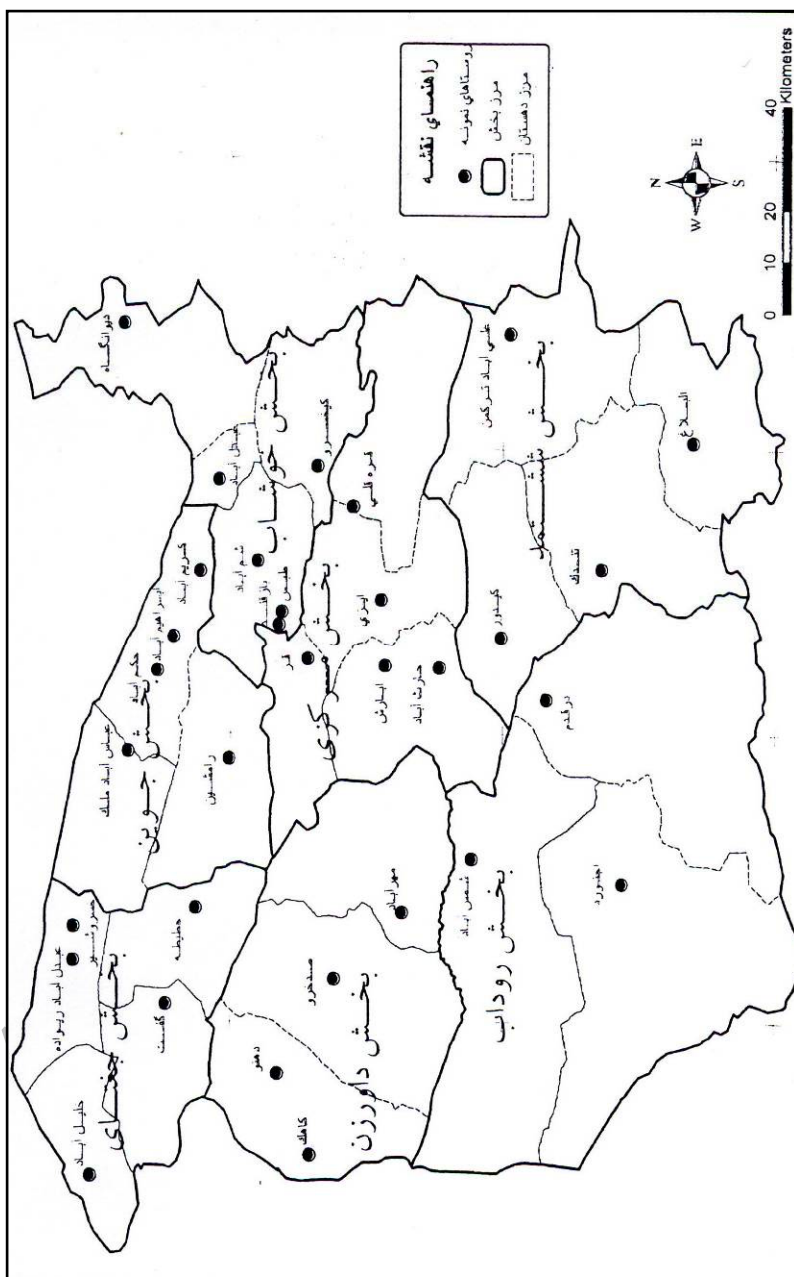


سرانجام می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که : از دیدگاه اعضای شوراهای روستایی چیزی به نام «فقدان همدلی» در میان روستاییان مشاهده نمی‌شود بلکه غالب روستاییان همدلی نسبی داشته و یا کمتر همدل می‌باشند.

بنابراین نتیجه‌ی نهایی این پژوهش حاکی از آن است که : شوراهای روستایی که تحصیلات کمتری داشته و حرفه‌ی کشاورزی دارند رفتاری نزدیک‌تر به تئوری خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز از خود نشان می‌دهند. اینان تقدیرگراترند به عامل زمان کمتر اهمیت می‌دهند غالباً قوم و خانواده‌گرا می‌باشند و وابستگی بیشتری در امور روستا به دولت نشان می‌دهند و هم‌چنین محلی‌گراترند. از دیدگاه غالب اعضای شوراهای روستایی اعتماد زیادی در میان روستاییان برقرار نیست و اکثر آنها نسبتاً همدل و یا کمتر همدل می‌باشند. از سوی دیگر برخی از ویژگی‌های این تئوری از جمله ترجیح منافع آتی بر منافع آتی حداقل در میان اعضای شوراهای روستایی مورد بررسی قرار گرفته و در چارچوب منافع عمومی روستا چندان قابل اثبات نیست. بنابراین در چنین شرایطی مدیریت روستایی نه می‌تواند بستر ساز و گرداننده‌ی توسعه و نوسازی روستا باشد و نه قادر به فراهم کردن زمینه‌ی مشارکت فعال روستاییان برای پیشرفت و ترقی روستا در سطح قابل قبولی است: نکته‌ی دیگر آنکه شوراهای روستایی به هر حال برآیند زمینه فرهنگی و اجتماعی روستاییان می‌باشد. یعنی تحول لازم می‌باید فراگیرتر از شوراهای روستایی بوده و کل روستاییان را در برگیرد. هرچند شوراها در کوتاه‌مدت به این تحول برای توسعه‌ی روستاها به معنی ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان به طور اعم نیازمندتر هستند.

نتیجه‌گیری

- فراهم کردن سازوکارهایی اعم از تغییر در قوانین و یا مکانیزم‌ها مشوق دیگر جهت عضویت افراد تحصیل کرده‌تر در شوراهای روستایی.
- ایجاد تنوع شغلی بیشتر در میان شوراهای روستایی از طریق تشویق مردم به انتخاب متنوع‌تر از دیدگاه حرفه‌وشغل - چرا که تنوع شغل غالباً تنوع دیدگاه را در روستا به دنبال دارد.
- انجام آموزش‌های فشرده خاص (پودمانی) برای شوراهای روستایی در مراکز دهستان‌ها، آموزش‌هایی که هم طرز تلقی آنان را تغییر دهد و هم روش‌ها را سامان بخشد.
- انجام آموزش‌های عمومی از طریق رسانه‌های گروهی و سایر ابزارهای موجود برای ارتقای سطح اطلاعات روستاییان و تغییر طرز تلقی آنان جهت انتخاب گزینه‌های بهتر و خواستن مطالبات منطقی‌تر.
- به هر حال تجهیز و سرمایه‌گذاری در اموراتصادی روستاها به‌عنوان زیرساخت نقش مهمی در ارتقای تفکر روستاییان خواهد داشت.



نقشه ۱: روستاهای نمونه مورد بررسی شهرستان سبزوار به تفکیک بخش و دهستان



منابع و مأخذ

- ۱- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴): *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه‌ی روستایی*. انتشارات اطلاعات. چاپ چهارم. تهران.
- ۲- بحرینیان، حمید (۱۳۷۸): گزارش نخستین همایش ملی صنایع روستایی ماهنامه جهاد. سال نوزدهم. شماره‌های ۲۲۲ و ۲۲۳. تهران.
- ۳- پاپلی یزدی و محمدمیر ابراهیمی (۱۳۸۱): *نظریه‌های توسعه روستایی*. انتشارات سمت. چاپ اول. تهران.
- ۴- تودارو، مایکل (۱۳۷۰): *توسعه اقتصادی در جهان سوم*. ترجمه غلامعلی فرجادی. انتشارات سازمان برنامه و بودجه. چاپ پنجم. تهران.
- ۵- چیتا مبار، جی. بی (۱۳۷۳): *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی*. ترجمه احمد حجاران. مصطفی ازکیا. نشر نی. چاپ اول. تهران.
- ۶- حمیدیان، علیرضا (۱۳۷۷): *نظری به جغرافیای طبیعی شهرستان سبزوار*. مجله پژوهشی شماره ۳. دانشگاه تربیت معلم سبزوار. سبزوار.
- ۷- دانیل، لیتل (۱۳۷۳): *تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی به فلسفه علم الاجتماع*. ترجمه عبدالکریم سروش. نشر صراط. چاپ اول. تهران.
- ۸- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور. استان خراسان. شهرستان سبزوار (۱۳۸۴). چاپ اول. تهران.
- ۹- شکویی، حسین (۱۳۷۵): *«نمایشه‌های نو در فلسفه جغرافیا»*. انتشارات گیتاشناسی. چاپ اول. تهران.
- ۱۰- شوماخر، ای. اف (۱۳۶۵). *کوچک زیباست (اقتصاد با ابعاد انسانی)*. ترجمه علی رامین. انتشارات سروش. چاپ دوم. تهران.
- ۱۱- فرمانداری شهرستان سبزوار. امور اجتماعی. برخی از داده‌های مربوط به دوره دوم شوراهای روستایی (۱۳۸۶ - ۱۳۸۲).
- ۱۲- فرمانداری شهرستان سبزوار. ستاد سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان سبزوار. نتایج مقدماتی سرشماری آذرماه سال ۱۳۸۵.
- ۱۳- کرمی، عزت‌ا... و سیدابوطالب فنایی (۱۳۷۳): *بررسی نظریه‌پردازی‌ها در ترویج*. انتشارات جهاد سازندگی. معاونت ترویج و مشارکت مردمی. جلد اول. چاپ اول. تهران.
- ۱۴- کمیته امداد امام خمینی (ره). شعبه شهرستان سبزوار و شاخه‌های جغتای. جوین. داورزن. خوشاب و ششتمد. آمار مربوط به خانوارهای تحت پوشش در روستاهای مورد بررسی. ۱۳۸۵.



- ۱۵- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال (۱۳۷۵). شناسنامه آبادی‌های کشور. شهرستان سبزوار، انتشارات مرکز آمار ایران. ۱۳۷۶. چاپ اول، تهران.
- ۱۶- مصاحبه با اعضای شوراهای روستایی. ۳۲ روستای نمونه شهرستان سبزوار. بهار و تابستان ۱۳۸۵.
- ۱۷- مهرز، رحمتا... (۱۳۵۳): جنبه‌هایی از توسعه‌ی اقتصادی و برنامه‌ریزی. انتشارات زوار. چاپ اول، تهران.
- ۱۸- میسرا. آر. پی (۱۳۶۶): برداشتی نواز مسایل توسعه، گزیده‌ای از مسایل اقتصادی و اجتماعی. مترجم و ناشر. مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی وزارت برنامه و بودجه. چاپ سوم. تهران.

Archive of SID